

سیره ارتباطی امام رضا^(ع) از مدینه تا مرو

کریم خان محمدی*، محدثه یوسفی**

چکیده

امروزه عصر ارتباطات انسانی است و ریشه بسیاری از مسائل و مشکلات فرهنگی اجتماعی جامعه، بی توجهی به ارتباط صحیح با دیگران است. دقت در سیره زندگی اهل بیت^(ع) و تأسی به شیوه رفتاری و سبک زندگی آن بزرگواران همواره می تواند ما را در رسیدن به الگوی مطلوب و اتخاذ روش صحیح زندگی و ارتباط صحیح با دیگران رهنمون سازد. از میان تاریخ تحولات شیعه، بدون شک سفر امام رضا^(ع) به ایران از مهم ترین حوادث محسوب می شود. هرچند این سفر با اصرارهای مأمون، خلیفه وقت عباسی، صورت پذیرفت؛ اما در عمل دارای آثار و پیامدهای درخشانی برای ایران بود. در مقاله حاضر تلاش شده است با نگاهی تحلیلی بر مدل ارتباطات انسانی «برلو» به عنوان نظریه پرداز حوزه ارتباطات، سیره ارتباطی امام رضا^(ع) در سفر مدینه تا مرو بررسی شود. مطابق این مدل، چهار ویژگی اصلی ارتباطگر یعنی مهارت ارتباطی، نگرش ها، سطح دانش و موقعیت فرهنگی و اجتماعی فرد، در سیره رفتاری ایشان در این سفر قابل مشاهده است.

واژه های کلیدی

سیره ارتباطی، امام رضا^(ع)، از مدینه تا مرو، مدل برلو، ارتباطات انسانی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۳۰

khanmohammadi49@yahoo.com

*. استادیار دانشگاه باقرالعلوم^(ع)

mohyee.1367@gmail.com

** . دانشجوی کارشناسی ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم^(ع)

❖ مقدمه

در منابع تاریخی، گستره تاریخی زندگانی ائمه^(ع) ۲۶۰ سال ذکر شده است؛ اما ابعاد وسیع فرهنگی - اجتماعی آن تا قرن‌ها ادامه دارد. نقش تاریخی و جغرافیایی ائمه^(ع) در زندگانی ما، زمانی درک خواهد شد که امامت آنها را الگویی تبیینی از هدایت تکوینی و تشریحی دین در چارچوب مکان و زمان بدانیم؛ بدان معنا که فهم مکان و زمان در زندگانی ائمه^(ع)، ارکان فرهنگی - اجتماعی سیره ایشان را ترسیم خواهد کرد. از آنجاکه برای شناخت فرهنگ به شناخت زمان یعنی تاریخ و شناخت مکان یعنی جغرافیا نیاز است، مطالعه تاریخ و جغرافیای زندگانی ائمه^(ع) به شناخت فرهنگی ایشان منجر خواهد شد. پس شناخت سیره ارتباطی زندگانی ائمه^(ع) از طریق شناخت ساختار زندگانی ایشان درگذر زمان و مکان حاصل می‌شود (فیاض، ۱۳۹۰: ۲۶۳).

باید گفت که هر یک از ائمه^(ع) در زندگی دارای نوعی ساختار ارتباطی وابسته به شرایط مکانی و زمانی عصر خویش بودند تا بتوانند رسالت دینی خود را انجام دهند. امام رضا^(ع) نیز برهه‌ای از تاریخ و جغرافیای شیعه را ترسیم کرده که برای ما ایرانیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگر ما این ساختار جغرافیایی و تاریخی را به‌دست آوریم، می‌توانیم به سیره ارتباطی ایشان دست یابیم.

هجرت تاریخی - سیاسی امام هشتم^(ع) از شهر مدینه به مرو و شهادت آن بزرگوار در این خطه، تأثیر شگرفی در فرهنگ این سرزمین، به‌ویژه در پدیدار شدن فرهنگ والای رضوی داشته است. مسیر هجرت امام رضا^(ع) پرسشی است که در منابع تاریخی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته؛ اما مشکل و مسئله مهم، پرداختن به حوادث و وقایع در طول سفر ایشان است که تقریباً می‌توان گفت منابع در این موضوع، مگر در چند مورد از وقایع مهم‌تر مانند حدیث سلسله‌الذهب، مسکوت مانده‌اند.

هجرت تاریخی - سیاسی امام رضا^(ع) از مدینه به مرو، واقعه بزرگ تاریخی است که موجب تحول و دگرگونی‌های فراوانی در ایران از جمله در فرهنگ و تمدن ایرانیان آن عصر

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۰۷

شده است، اما به طور کلی تعیین مسیر دقیق سفر امام (ع) به واسطه گزارش‌های متعدد و متناقض تاریخی، دشوار است.

درباره مسیر حرکت ایشان دو نقل متفاوت در تاریخ ذکر شده است که این نوشته مجالس برای بررسی آنها ندارد، اما آنچه مسلم و قطعی است اینکه چون امام رضا (ع) شخصیت مهم و برجسته‌ای در جهان اسلام بودند، مأمون تلاش می‌کرد تا ایشان را از شهرهای شیعه‌نشین و مکان‌های معروف عبور ندهد تا مهرورزی مردم به ایشان، پایه‌های حکومت او را به خطر نیندازد. لذا بصره، نیشابور و سرخس به لحاظ موقعیت جغرافیایی که داشتند، از جمله شهرهایی هستند که بی‌گمان امام (ع) از آنجا عبور کرده‌اند.

با تکیه بر حوادث در طول سفر ایشان و رفتار امام (ع) در برخورد با این حوادث، به تحلیل سیره ارتباطی ایشان پرداخته می‌شود. برای این امر از مدل ارتباطات انسانی برلو بهره برده خواهد شد. منطق محقق برای انتخاب مدل برلو در تحلیل سیره ارتباطی امام رضا (ع) این بوده که این مدل مبتنی بر رفتارگرایی است، به وجوه روان‌شناختی ارتباطات توجه ویژه‌ای دارد و فرایند یادگیری و تفسیر را در ارتباط، امری دائمی بیان کرده است. او در مدل خود برای ارتباطات انسانی علاوه بر چهار عنصر اصلی ارتباط (منبع، پیام، گیرنده و کانال) دو عنصر رمزگذار و رمزخوان را نیز معرفی می‌کند. از آنجا که هدف نوشتار حاضر، بررسی سیره ارتباطی امام رضا (ع) به عنوان یک ارتباط‌گر یا رمزگذار بوده، نگاه روان‌شناسانه او به ویژگی‌های منبع در فرایند ارتباط انسانی برای ما قابل استفاده است. لذا از این پس به تحلیل جزئیات مدل برلو در مورد منبع پرداخته می‌شود. دیوید برلو^۱ منبع ارتباط را فردی می‌داند که بعد از تعیین روش تأثیر روی گیرنده، پیامی را به قصد تولید هدف مورد دلخواهش رمزگذاری می‌کند. برلو چهار ویژگی یا عامل را در منبع، موجب افزایش صحت منبع می‌داند که عبارت‌اند از:

۱. مهارت‌های ارتباطی؛

1. David k. Berlo 1929

❖ ۱۰۸ فرهنگ رضوی

۲. نگرش‌ها؛

۳. سطح دانش؛

۴. موقعیت فرهنگی - اجتماعی فرد.

این نوشته تلاش می‌کند با بررسی و تحلیل متون و اسناد تاریخی هجرت امام رضا^(ع)، به آنچه در متون تاریخی، مقاله‌ها و کتاب‌های نگارش شده مغفول مانده است، یعنی ابعاد مختلف این چهار ویژگی در سیره ارتباطی امام رضا^(ع) در سفر مدینه تا مرو بپردازد.

مفهوم‌شناسی**۱. سیره**

واژه «سیره» در زبان عربی از «سیر» است. سیر یعنی حرکت و راه رفتن؛ اما «سیره» یعنی نوع راه رفتن. پس سیر یعنی رفتار و سیره یعنی نوع و سبک رفتار. امام رضا^(ع) تنها امام شیعیان است که مدتی از عمر با برکت خود را در ایران سپری کرده‌اند. سبک و نوع ارتباط ایشان با مردم در مسیر هجرت تاریخی‌شان از مدینه به مرو، تأثیرهای فرهنگی و اعتقادی عمیقی در قلوب مردم ایران گذاشته و خود می‌تواند الگوی مطلوب و مناسبی برای عالمان و مبلغان دین باشد.

۲. ارتباطات انسانی

فرایند دوطرفه ارتباط انسان با انسان را ارتباطات انسانی می‌نامند که به چهار دسته اساسی تقسیم می‌شود: ارتباط درون‌فردی، میان‌فردی، گروهی و جمعی. ارتباط درون‌فردی همان ارتباط با خود است و هر یک از ما با خود یک ارتباط درونی برقرار می‌کنیم. این ارتباط می‌تواند مبنای تمام انواع ارتباطات انسانی قرار گیرد. ارتباط با خود عملی مداوم، پیوسته و فراگیر در زندگی روزمره همه انسان‌هاست. ارتباط میان‌فردی بر ارتباط رودرروی دو نفر دلالت دارد (گیل و ادمز، ۱۳۸۴: ۲۶). این ارتباط شامل گفتگو، مصاحبه و مذاکره شده و هدف از برقراری این ارتباط می‌تواند حل

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۰۹

مسائل خود با دیگران، رفع تعارض‌ها و نیازهای اجتماعی و رد و بدل کردن اطلاعات باشد. ارتباط گروهی به ارتباط میان افراد یک گروه یا ارتباط میان گروه‌های مختلف اطلاق می‌شود (همان: ۴۰) مانند سخنرانی در مجامع عمومی یا جلسه‌های اداری. «ارتباط جمعی اساساً یک‌طرفه است و شیوه مؤثری برای دریافت بازخوردها وجود ندارد» (همان: ۲۸). این نوع ارتباط عمدتاً نهادمند و سازمان‌دهی شده و به‌صورت غیرمستقیم است.

چارچوب نظری

در نوشتار پیش رو با بررسی انواع نظریه‌ها و مدل‌های ارتباطات انسانی، مدل ارتباطات انسانی برلو به‌عنوان چارچوب نظری انتخاب شد تا ما را در بررسی و تحلیل یافته‌ها یاری دهد. در بررسی اجمالی باید گفت که ارتباطات انسانی با سه مدل کلی تحلیل می‌شود که پایه و اساس تحلیل مدل‌های ارتباطی بوده و عبارت‌اند از: خطی، تعاملی و تبادلی. مدل برلو، سیر تعاملی را طی می‌کند و از این رو در اینجا مورد نظر قرار گرفته است. دیوید ک برلو (۱۹۲۹) در مدل ارتباطات انسانی خود در کنار چهار عنصر اصلی ارتباط یعنی منبع، پیام، گیرنده و کانال، رمزگذار و رمزخوان را نیز معرفی کرده است و بر تعاملی و دوسویه بودن ارتباط تأکید دارد. او در معرفی اجزای عناصر اصلی ارتباط، برای منبع چهار جزء مهارت‌های ارتباطی، نگرش‌ها، سطح دانش و موقعیت فرد را معرفی کرده است. وی به‌طور کلی پنج نوع مهارت ارتباط کلامی را برمی‌شمارد که شامل نوشتن و گفتن (رمزگذاری)، خواندن و شنیدن (رمزخوانی) و تعقل است. او می‌گوید هر چه مهارت‌های ارتباطی فرد در سطح بالاتری باشد، فرد ارتباط‌گر در انتقال هدف خود توانایی بیشتری دارد، رمزگذاری او از صحت بالاتری برخوردار بوده و بیان معنا از سوی وی کامل‌تر است. مهارت دیگر، نگرش فرد است که ذیل مهارت تعقل بیان می‌شود و آنرا نگرش منبع نسبت به خود، مطلب خود و گیرنده معرفی می‌کند. مهارت بعدی، سطح دانش فرد است که میزان اطلاعات

او را در نظر می‌گیرد. آخرین جزء موقعیت فرد شامل پایگاه و موقعیت او در محیط زندگی است. اینکه فرد برای برقراری ارتباط، پیام خود را چگونه رمزگذاری می‌کند و تمایل او نسبت به موضوع و مخاطب چگونه بوده، همه متأثر از موقعیت اجتماعی و فرهنگی وی در آن دوران است (سپنجی و مؤمن‌دوست، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

منطق محقق در انتخاب نظریه مذکور، به برخی ویژگی‌های این نظریه مرتبط است که شامل:

۱. نگاه تعاملی و دوسویه بودن او به ارتباط (هرچند او مدل ساده‌ای از ارتباطات انسانی را بیان کرده) است که قابلیت و کارایی این نظریه را بالا می‌برد؛
۲. توجه اصلی او به انسان به‌عنوان منبع یا گیرنده پیام بوده، لذا در ارتباطات انسانی قابل تحلیل و استفاده است؛
۳. ارتباطات را امری پویا و پیوسته معرفی می‌کند؛
۴. تأکید اصلی او بر پاسخ و بازتاب پیام در محیط است» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۹: ۴۰۱).

سیره ارتباطی امام رضا^(ع) در سفر مدینه تا مرو

طبق مدل برلو، چهار ویژگی ارتباط‌گر که (در بخش‌های قبلی هم بیان شد) می‌تواند موجب صحت ارتباط باشد شامل: مهارت‌های ارتباطی، نگرش‌ها، سطح دانش و موقعیت ارتباط‌گر است. در ادامه با تأسی به سیره امام^(ع) در این سفر، با دقت در موارد جزئی‌تر به تحلیل این ویژگی‌ها پرداخته می‌شود.

۱. مهارت‌های ارتباطی

مهارت‌های ارتباطات اجتماعی و انسانی، شامل دو دسته درون‌فردی و برون‌فردی می‌شود. ارتباطات درون‌فردی به معنی ارتباط فرد با خود است و ارتباطات برون‌فردی خود شامل سه دسته ارتباط میان‌فردی، گروهی و جمعی است. در ادامه به بیان انواعی از مهارت‌های ارتباطی امام رضا^(ع) در حوزه ارتباطات برون‌فردی پرداخته می‌شود.

دانستن زبان مخاطب

مسیری که امام (ع) از مدینه تا مرو پیمودند، قابل تأمل است، چراکه ایشان را از مسیر و شهرهایی به مرو آوردند تا کمترین برخورد را با مردم و شیعیان داشته باشند، اما ایشان از همان آغاز حرکت، راه ارتباطی خود را پیدا کردند. اولین راه ارتباطی زبان است. حضرت در هر منطقه ایران و به هر شهر و دیاری که رسیدند، با زبان مردم آن دیار سخن گفتند. ایشان به زبان‌های سندی، هندی، مغولی، فارسی با مردم دیار مختلف صحبت کردند. در کتاب‌های روایی به نقل از یکی از اصحاب حضرت علی بن موسی الرضا (ع) به نام علی بن ابی حمزه بطائنی آمده است:

روزی در محضر مبارک آن حضرت بودم که تعداد ۳۰ نفر غلام حبشی در آن مجلس وارد شدند. پس از ورود، یکی از ایشان به زبان و لهجه حبشی با امام رضا (ع) سخن گفت. حضرت نیز به زبان حبشی و لهجه محلی خودشان پاسخ او را بیان کردند و لحظاتی با یکدیگر به همین زبان سخن گفتند. آنگاه حضرت، مقداری پول - درهم - به آن غلام عطا کردند، مطلبی نیز به او فرمودند، سپس همگی آنها حرکت کردند و از مجلس خارج شدند. من با حالت تعجب به آن حضرت عرضه داشتم: یا ابن رسول الله! فدایت گردم، مثل اینکه با این غلام به زبان حبشی و لهجه محلی صحبت می‌فرمودی؟! او را به چه چیزی امر نمودی؟ امام (ع) فرمودند: آن غلام را در بین تمام همراهانش، عاقل و باشخصیت دیدم، لذا او را برگزیدم و ضمن تذکراتی، به او توصیه کردم تا کارها و برنامه‌های سایر غلامان و دوستان خود را بر عهده گیرد و در حق آنها رسیدگی کند. نیز هر ماه مقدار ۳۰ درهم به هر کدام از ایشان بپردازد و او نیز نصایح مرا پذیرفت و مقدار دراهمی به او دادم تا بین دوستانش طبق توصیه تقسیم نماید.

بعد از آن، امام رضا (ع) افزودند: امام، علومش بی‌متناهی است و هرکسی نمی‌تواند به تمام مراحل علمی و اطلاعات او دست یابد (حمیری، بی تا: ۱۴۴؛ مجلسی،

در روایت دیگری آمده است:

شخصی به نام ابواسماعیل سندی از هند به دنبال حجت خدا آمده بود. او را به حضرت رضا^(ع) راهنمایی کردند. وی می‌گوید: من نزد حضرت رفتم اما عربی نمی‌دانستم، به زبان سندی سلام کردم، حضرت به زبان خودم پاسخ دادند. با حضرت سخن گفتم و او به زبان خودم با من سخن می‌گفت؛ گفتم: به دنبال حجت خدا در عرب آمده‌ام. فرمودند: منم آن (حجت خدا)، هر چه می‌خواهی بپرس. من مسائل خود را پرسیدم و حضرت به زبان خودم پاسخ دادند.

در شهر بصره نیز وقتی یکی از مخالفان به نام عمرو بن هداد از ایشان خواست تا ادعای خود را در مورد دانستن هر زبان ثابت کند و با رومیان، هندوها، فارسیان و ترک‌زبان‌ها که در شهر هستند سخن گوید، حضرت فرمودند: آنها را بیاورید. عده‌ای از اهل زبان‌های گوناگون را آوردند و حضرت با همه آنها به گونه‌ای روان سخن گفتند که همگی به دانش و فصاحت حضرت اعتراف کردند و مردم از دیدن این منظره شگفت‌زده شدند، زیرا واضح بود که حضرت رضا^(ع) هرگز در این مورد استادی ندیده و نزد کسی زبان‌های گوناگون را یاد نگرفته و با این افراد در مدینه معاشرتی که سبب یادگیری این همه زبان با این فصاحت باشد، نداشته‌اند (نجفی یزدی، ۱۳۹۱: ۴۵-۴۲).

مرحوم شیخ صدوق، علامه مجلسی و دیگر بزرگان به نقل از اباصلت هروی حکایت می‌کنند:

یکی از روزها به آن حضرت عرض کردم: یا ابن رسول‌الله! شما چگونه به همه زبان‌ها و لغت‌ها آشنا شده‌ای و این چنین ساده، مکالمه می‌نمایی؟ امام^(ع) فرمودند: ای اباصلت! من حجت و خلیفه خداوند متعال هستم و پروردگار حکیم کسی را که می‌خواهد بر بندگان خود حجت و راهنما قرار دهد، به تمام زبان‌ها و اصطلاحات آشنا و آگاه می‌سازد که زبان عموم افراد را بفهمد و با آنها سخن گوید و بندگان خدا بتوانند به راحتی با امام خویش سخن گویند. سپس امام رضا^(ع) افزودند: آیا فرمایش امیرالمؤمنین، امام علی^(ع) را نشنیده‌ای که فرمودند: به ما اهل بیت^(ع) فصل الخطاب

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۱۳

عنایت شده است و بعد از آن، اظهار نمودند: فصل الخطاب یعنی معرفت و آشنایی به تمام زبان‌ها و اصطلاحات مردم و بلکه عموم خلایق در هر کجا و از هر نژادی که باشند (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۲۸).

امام رضا (ع) افزودند:

توجه داشته باش که همانا امام و علوم او، همچون دریای بی‌متهایی است که پایان‌ناپذیر باشد و درون آن مملو از انواع موجودات و جواهرات گوناگون خواهد بود و چون، پرندهای، قطره‌ای از آب آن را بردارد، چیزی از آب آن کم نخواهد شد. امام، علومش بی‌انتهاست و هر کسی نمی‌تواند به تمام مراحل علمی و اطلاعات او دست یابد.^۱ (پیوسته، ۱۳۹۱: ۳۷).

تحریک عواطف و احساسات

یکی دیگر از مهارت‌های ارتباطی، تحریک احساسات و عواطف حقیقت‌جویانه مردم است. امام رضا (ع) در نیشابور زمانی که همگان برای شنیدن صحبت‌های ایشان جمع شده بودند و از ایشان تقاضا داشتند تا حدیثی بخوانند، با نحوه قرائت حدیث، احساسات مردم را برای شنیدن سخن حق برانگیخته و امامت و ولایت خود را در سایه این حدیث گهربار بیان فرمودند.

نیشابور با افغانستان، هندوستان و ... در ارتباط بود و راه حیاتی معرفتی در آن زمان به‌شمار می‌رفت و متفکران بزرگی در آنجا بودند. بنابراین آنچه در نیشابور رخ داده یک فرایند ارتباطی ویژه داشته است. مردم آن شهر به مکاتب و مذاهب آشنا بودند، لذا امام (ع) در یک فرایند ارتباطی دقیق، توحید را با امامت همگام کرده و اصل وحدت و ولایت را ملازم هم بیان کردند.

لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی، بشرطها وشروطها و انا من شروطها:

کلمه «لا اله الا الله: هیچ معبودی به‌جز الله نیست» دژ و حصار من (خدا) است پس

۱. علامه مجلسی به نقل یکی از اصحاب حضرت علی بن موسی الرضا (ع)، به نام علی بن ابی حمزه بطائنی حکایت می‌کند که امام رضا (ع) در ادامه این جمله‌ها را فرمودند.

هر کس به دژ و حصار من داخل شود از عذاب من امنیت خواهد یافت و این شروطی دارد و من (علی بن موسی الرضا^(ع)) یکی از آن شرطها هستم. امام^(ع) با ایهامی دقیق با توسل به سلسله ائمه^(ع)، امامت و ولایت خود را شرط ورود به دژ محکم الهی دانستند و مبدأ و معاد انسانها را در پذیرش مطلق ولایت خلاصه کردند. با توجه به بستر تاریخی - جغرافیایی این شهر، امام^(ع) از شیوه ایضاح بعد از ایهام در ارتباط با مردم برای تبیین جایگاه امامت ولایت خویش، استفاده کردند (فیاض، ۱۳۹۰: ۲۶۶).

در تاریخ آمده است:

وقتی امام رضا^(ع) در مسیر مدینه به مرو به شهر نیشابور رسیدند، مردم زیادی به استقبال ایشان شتافتند و از وی درخواست کردند تا آنها را با حدیثی از پدران خود خشنود سازند. فرمودند: حدیث کرد مرا پدرم حضرت موسی بن جعفر کاظم^(ع)، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم جعفر بن محمد صادق^(ع)، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم محمد بن علی باقر^(ع)، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم علی بن حسین، زین العابدین^(ع)، فرمود: حدیث گفت مرا حسین بن علی^(ع) شهید سرزمین کربلا، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم امیرمؤمنان علی بن ابی طالب^(ع) شهید سرزمین کوفه، فرمود: حدیث فرمود مرا برادرم و پسرعمویم محمد رسول خدا^(ص)، فرمود: حدیث کرد مرا جبرئیل، فرمود: شنیدم حضرت رب العزه سبحانه و تعالی فرمود: «کلمة لا اله الا الله حصار من است و هرکس آنرا بگوید، داخل حصار من شده و هرکس داخل حصار من شود از عذاب من در امان است» (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۷۴).

وقتی امام^(ع) این حدیث قدسی را فرمودند همین که کاروان حرکت کرد ایشان دستور توقف دادند، قافله ایستاد، مجدداً پرده کجاوه کنار رفت و حضرت در اینجا سخنی دارند که مربوط به خود ایشان است و فرمودند: «وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا». امام رضا^(ع) در ادامه این حدیث می فرمایند تنها اعتقاد به خدا کافی نیست و مسائل دیگری نیز وجود دارد که رعایت مجموعه اینها از سوی فرد، او را دین دار می کند. در این حدیث نشان داده می شود که ارتباط بشر در گرفتن پیام از ذات احدیت اصل است یعنی توحید و خدا باوری یک اصل

اعتقادی است که باید به باور برسد و پذیرش رهبری بشری از میان انسان‌ها به نام پیامبر (ص) در این حدیث مستتر است.

امام (ع) با بیان این حدیث در جمع مردم نیشابور که اکثراً سنی‌مذهب بودند و از جمله مهم‌ترین شهرهای ایران و پایگاه فرهنگی اهل سنت بود، مسئله ولایت امیرمؤمنان (ع) بعد از خاتمیت رسالت پیامبر (ص) و نیز امامت و رهبری امامان معصوم (ع) را دوباره مطرح و با صدای بلند تأکید می‌فرمایند: ای کسانی که اهل نماز، قرآن و ... هستید، بدانید اگر از ولایت خاندان پیامبر (ص) و امامت ما دور باشید اعمال عبادی شما بی‌ارزش خواهد بود و نجات بخش نیست.

درواقع حدیث سلسله‌الذهب نشانه رد شیعیان سه، پنج یا هفت‌امامی از سوی امام رضا (ع) است. ایشان با بیان جمله «بشروطها و انا من شروطها»، انحراف تمام احزاب و فرقی را که پرچم مخالفت با امام کاظم، امام صادق و امام رضا (ع) و حتی قبل از آنها را برافراشته بودند، گوشزد می‌کنند.

توجه به شرایط روز و رصد اتفاق‌های زمانه از شیوه‌های ارتباط جمعی است. امام (ع) با توجه به شرایط فرهنگی-اجتماعی نیشابور در آن زمان از فن برجسته‌سازی که یکی از شیوه‌های ارتباط جمعی مؤثر است، بهره بردند.

نمونه‌ای دیگر از تحریک احساسات حقیقت‌جویانه مردم، زمانی است که امام (ع) خود را از سفر به خراسان ناگزیر یافتند. ایشان در چند نوبت کنار مرقد پیامبر (ص) به شکل خداحافظی با قبر ایشان، ناخرسندی خویش را از این سفر آشکار ساختند تا دیگران نیز بدانند امام (ع) برای انجام این سفر مجبور بودند. ایشان، حضرت جواد (ع) را نزد قبر رسول خدا (ص) بردند و به جد خود عرضه داشتند: ای رسول خدا (ص) او را به شما سپردم و به اصحاب فرمودند: سخن او را گوش کنید، با وی مخالفت ننمایید و نزد ثقات اصحاب خویش بر امامت و جانشینی وی تأکید کردند (مسعودی، ۱۳۴۳ق: ۳۴۹؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۵ق: ۱۹۶).

یکی از راویان حدیث که از نزدیک شاهد ماجرا بوده است، چنین می‌نگارد:

هنگامی که فرستاده مأمون وارد مدینه شد، من نیز در مدینه بودم. امام^(ع) برای وداع با پیامبر^(ص) وارد حرم شریف نبوی شدند. حضرت درحالی که می‌گریستند چندین نوبت با پیامبر^(ص) و مرقد پاک او خداحافظی کردند. جلو رفتیم و به امام^(ع) سلام کردم. حضرت پاسخ سلام مرا دادند. آنگاه امام^(ع) را به خاطر سفری که در پیش داشتند تهنیت گفتم ولی آن حضرت فرمودند: مرا به حال خود واگذار که من از جوار جام خارج شده و در غربت از دنیا خواهم رفت (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۱۷).

امام^(ع) هنگام بیرون رفتن از مدینه تمام خویشان خود را فراخواندند و در جمع آنان فرمودند: بر من گریه کنید، زیرا دیگر به مدینه باز نخواهم گشت (طبری، بی تا: ۱۷۶).

گواه دیگر بر کراهت و ناخرسندی امام^(ع) از این سفر، مسیر تعیین شده از سوی دستگاه خلافت بود، به گونه‌ای که از برخی مناطق، امام^(ع) مخفیانه عبور داده می‌شدند (بیهقی، ۱۳۶۸: ۱۷۱) و نیز از ورود ایشان به کوفه و قم جلوگیری به عمل آمد^۱ (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۴۹). در صورتی که اگر امام^(ع) به این سفر راضی بودند و مسیر را با اشتیاق می‌پیمودند دلیلی نداشت تا مأمون مسیر آن حضرت را از این دو شهر دور بدارد.

۲. نگرش‌ها

دیوید برلو در مدل ارتباطی خود ذیل بحث نگرش، سه دسته نگرش را برای ارتباطگر ضروری می‌شمارد: نگرش نسبت به خود، نسبت به مطلب خود و نگرش نسبت به مخاطب و می‌گوید اگر ارتباطگر در این سه نوع نگرش از مهارت بالایی برخوردار باشد، بیشترین تأثیر را بر مخاطب می‌گذارد. در ادامه، دو نمونه از سیره امام^(ع) در تکمیل مدل برلو بیان می‌شود.

نماز باران

یکی از حوادث مهمی که باعث محبوبیت بیشتر امام رضا^(ع) در میان مردم خراسان و شیعیان شد، نزول باران رحمت بر اثر دعای ایشان بود. هنگامی که حضرت به ولایتعهدی مأمون منصوب شدند، منطقه خراسان دچار کم‌آبی شد و مزارع و باغات در معرض خطر

۱. البته در برخی نقل‌ها ورود به این دو شهر تأیید شده است.

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۱۷

قرار گرفت. عده‌ای این اتفاق را به علت حضور امام (ع) در مرو بیان می‌کردند، لذا مأمون از امام (ع) خواست دعا کنند و از خداوند بخواهند تا باران رحمت خود را نازل کند. امام (ع) به خواسته مأمون پاسخ مثبت دادند و پذیرفتند که در پیشگاه الهی دعا کنند. سرانجام حضرت در موعد مقرر در جمع مردم زیادی در بیابان بر فراز منبر قرار گرفتند و پس از حمد و ثنای پروردگار عرض کردند:

بارالها! تو قادر و منزلت اهل بیت (ع) را بالا بردی و به آنان بزرگی و عظمت بخشیدی، مردم به امید فضل و رحمت تو به ما متوسل شده‌اند، از تو درخواست دارم حاجت آنها را برآوری و باران رحمت را نازل نمایی، بارانی که ویرانی و زیان به بار نیورد، بارانی که شروع آن موقعی باشد که مردم از صحرا برگشته و به منازل و قرارگاه‌های خود رسیده باشند (همان: ۱۷۹-۱۸۳).

سرانجام دعای حضرت همان‌طور که از پیشگاه الهی درخواست کرده بودند مستجاب شد. نزول باران رحمت بر اثر دعای ایشان موجب قدرشناسی مردم شد و همه یک‌زبان می‌گفتند: بزرگواری‌ها و کرامت‌های حضرت باری تعالی بر فرزند پیامبر اسلام (ص) گوارا باد. هدف مأمون این بود که دعای امام (ع) در پیشگاه الهی پس از حضور در بیابان به اتفاق انبوهی از مردم مستجاب نشود و ایشان را در میان عامه مردم تحقیر کند. اما با استجابت دعای حضرت، موقعیت مأمون نیز تضعیف و این حادثه برای وی گران تمام شد. استجابت دعای حضرت و نزول باران رحمت، از یک‌سو موجب فزونی محبوبیت و علاقه‌مندی به امام رضا (ع) در افکار عمومی شد و از دیگر سو، زمینه نفوذ تشیع و گرایش به آنرا به‌خصوص در افرادی که معرفت و علاقه‌مندی آنها به امام (ع) ریشه‌دار و عمیق بود، فراهم کرد.

در اینجا باید دقت کنیم که نگرش امام (ع) نسبت به خود که می‌داند وکی خدا بر روی زمین است و درخواست او از سوی خدا اجابت خواهد شد. همچنین با آگاهی از درخواست مردم و رعایت شرایط و لوازم استجابت دعا و با آگاهی از مردمی که انتظار می‌کشند با

❖ سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۴۹۳

اجابت یا عدم اجابت دعای ایشان، تأیید یا تکفیر کنند، درخواست مأمون را برای خواندن نماز باران می‌پذیرند. اما مأمون با ناآگاهی و ناباوری تمام خیال می‌کند دعای ایشان مستجاب نشده و جایگاهشان نزد مردم کم‌رنگ خواهد شد و از حضرت تقاضا می‌کند تا نماز باران بخواند و این امام رضا^(ع) است که با آگاهی کامل از نگرش‌های خود و مخاطبان و با امید به عنایت حق تعالی پیروز میدان می‌شوند.

مژده بهشت

شخصی به نام موسی بن سیار می‌گوید: با حضرت رضا^(ع) بودم (در سفر به خراسان) نزدیک شهر طوس، چون دیوارهای شهر نمایان شد، صدای نوحه و عزا شنیدم، به دنبال صدا رفتم، دیدم جنازه‌ایست. در این هنگام حضرت رضا^(ع) از اسب فرود آمدند، به طرف جنازه رفتند، به آن خو گرفتند و مأنوس شدند. آنگاه رو به من کردند و فرمودند: ای موسی بن سیار، هر که جنازه یکی از اولیای ما را تشییع کند، از گناهان بیرون می‌رود آن‌گونه که از مادر، بدون گناه متولد شده است و چون جنازه آن مرد را کنار قبر نهادند، حضرت رضا^(ع) نزدیک آمدند، مردم را کنار زدند، دست مبارک را بر سینه آن مرد نهادند و فرمودند: ای فلانی، مژده باد تو را به بهشت، بعد از این دیگر ترسی بر تو نیست. عرض کردم: فدایت شوم، آیا این مرد را می‌شناسید؟ شما که تا امروز به این سرزمین نیامده‌اید؟

فرمودند: ای موسی بن سیار، آیا نمی‌دانی که اعمال شیعیان ما، در صبح و شام بر ما عرضه می‌شود، هر کوتاهی که در اعمال آنها باشد، از خداوند متعال می‌خواهیم که از صاحبش درگذرد و هر چه از کارهای عالی باشد، از خداوند برای صاحبش شکرانه درخواست می‌کنیم (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۵، ق، ج ۴: ۳۴۱، رک: مجلسی، ۱۳۵۶، ج ۴۹: ۹۸).

در اینجا نیز امام^(ع) احاطه خود را بر کلام خود و نگرش مخاطب نشان می‌دهند. ایشان از شیوه ارتباط میان فردی برای اعلام اطلاع اهل بیت^(ع) از اعمال شیعیان، استفاده کرده و تلاش دارند از این طریق به اثبات ولایت اهل بیت^(ع) بر مردم پردازند.

۳. سطح دانش

در مدل برلو، سطح دانش به میزان آگاهی و اطلاعات ارتباطی برمی‌گردد. امام رضا (ع) با داشتن این ویژگی باعث جذب قلوب مؤمنان می‌شدند. در ادامه دو مورد بیان می‌شود.

اطلاع قبلی از مخاطب

در مسند الامام الرضا (ع) آمده است: امام (ع) از قادسیه بیرون شدند، از طریق بادیه به طرف بصره حرکت کردند و پس از چندی به ناحیه نجاج رسیدند. شیخ صدوق در روایتی از ابو حبیب نجاجی ورود حضرت را به نجاج چنین شرح می‌دهد^۱:

ابو حبیب نجاجی می‌گوید: در عالم رؤیا دیدم که رسول اکرم (ص) به نجاج تشریف آوردند و در مسجدی که حجاج فرود می‌آیند، وارد شدند. بر آن حضرت سلام کردم و پیش روی او ایستادم. طبقی از خرما صیحانی نزد ایشان بود و حضرت مشتی خرما برداشتند و به من دادند. آنها را شمردم، ۱۸ دانه بود. ۲۰ روزی از این جریان گذشت و شخصی نزد من آمد و گفت: ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) از مدینه آمده و در مسجد نزول اجلال فرموده است. به خدمت حضرت رفتم و دیدم آن جناب در همان موضعی نشستند که رسول اکرم (ص) نشسته بودند و طبقی از خرما صیحانی مانند آنچه نزد پیامبر (ص) بود، پیش روی ایشان قرار داشت. سلام کردم و امام رضا (ع) پاسخ دادند. سپس مشتی از خرما به من دادند. آنها را شمردم، ۱۸ دانه بود. عرض کردم یا بن رسول الله زیادتیر از این به من عطا فرما، فرمودند: اگر رسول خدا (ص) زیادتیر از این به تو عطا فرموده است، ما هم زیادتیر از این به تو عطا کنیم (۱۳۸۷، ج ۲: ۴۵۷-۴۵۸).

گزارشی دیگر از ابن شهر آشوب در المناقب است که آن حضرت هنگام عزیمت از مدینه به مرو، در بصره توقف داشتند. راوی این قول، ابن علوان است. اما آنچه او نقل می‌کند همان

۱. شرح این ماجرا با کمی اختلاف در کتاب‌های دیگر آمده است: بنگرید به: مسعودی، انبات الوصیه: ۴۱۵-۴۱۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۲: ۷۱۰؛ شیخ عباس قمی، منتهی الآمال: ۳۰۲؛ نجفی یزدی، مناقب اهل بیت، ج ۲: ۱۷۷.

ماجرایی است که ابوحبیب نباجی در ورود حضرت به نباج نقل کرده و به نظر می‌رسد روایت در اصل یکی است؛ اما در آخر روایت ابن‌علوان، ماجرای افزون بر آنچه ابوحبیب نباجی گفته دارد. ابن شهر آشوب در ادامه روایت، به نقل از ابن‌علوان اضافه می‌کند:

حضرت پس از چند روز نزد من فرستاده از من ردایی با اندازه‌های معین خواستند. گفتم چنین ردایی نزد من نیست. حضرت رضا^(ع) فرمودند: آن در بقعۀ فلانی است، کسی را نزد عیالت بفرست و آن را بخواه. کسی را فرستادم و نشانی دادم. او رفت و آنچه حضرت فرموده بودند، آورد^۱ (۱۳۷۵ ق، ج ۲: ۳۹۷).

صفوانی در روایتی دیگر می‌گوید: قافله‌ای از خراسان به طرف کرمان حرکت می‌کرد. در بین راه، دزدان بر اهالی کاروان حمله کردند و مردی را که گمان می‌کردند ثروتمند است گرفتند و روزهای زیادی او را در میان برف حبس کردند، دهانش را پر از برف کردند تا مجبور شود جای پول‌هایش را بگوید.

سرانجام زن یکی از دزدان بر این مرد ترحم کرد و او را آزاد ساخت. مرد فرار کرد ولی در اثر شکنجه، دهان و زبان‌ش به شدت آسیب دیده بود، به طوری که دیگر قادر به سخن گفتن نبود. شبی در خواب دید که مردی می‌گوید حضرت رضا^(ع) وارد خراسان شده، نزد او برو و دواي درد خود را بخواه. او هم در خواب نزد امام^(ع) رفت و ایشان فرمودند: «زیره، سیسنبور و نمک را بکوب و در دهان خود نگاه‌دار تا خوب شوی.» مرد از خواب بیدار شد ولی به خواب خود اعتنائی نکرد و سرانجام خود را به نیشابور رساند. به او گفتند امام^(ع) از نیشابور رفته و اکنون به رباط سعد رسیده است.

مرد به رباط سعد رفت و خدمت امام^(ع) رسید، با سختی فراوان جریان دزدان را تعریف کرد و از ایشان خواست او را شفا ببخشند. امام^(ع) بلافاصله فرمودند: «برو همان دستوری را که در خواب به تو دادم، عمل کن.» مرد به دستور عمل کرد و خوب شد (مجلسی، ۱۳۵۶، ج ۴۹: ۱۲۴؛ ابن‌بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۱۱).

۱. مسعودی در اثبات الوصیه و ابن‌بابویه در عیون اخبار الرضا^(ع) با تفصیل بیشتری شرح داده‌اند.

اطلاع از عقاید مخاطب

امام (ع) در بصره تشکیل جلسه دادند و سعی کردند این مجلس با مسیحیانی مثل جاثلیق، زیدیه و معتزله یهودیان (رأس جالوت) تشکیل شود و هدف خود را معرفی نشانه‌های امامت اهل بیت (ع) قرار دادند (مجلسی، ۱۳۵۶، ج ۴۹: ۷۴). چون در ارتباط بین فردی، بهترین شیوه برای برقراری ارتباط مؤثر با مردم، داشتن اطلاعات دقیق از عقاید مخاطبان است، امام (ع) در این جلسه از این شیوه استفاده کردند.

امام (ع) در مناظره‌هایی که مأمون در مرو برای ایشان ترتیب می‌داد، روش ارتباطی خود را با جدل شروع می‌کردند و بر مبنای کتاب‌های آنها، علیه‌شان استدلال می‌کردند. این از فنون مناظره است که بر دلایل اعتقادی طرف مقابل استناد شود، به این ترتیب او نمی‌تواند به سادگی از ارتباط فرار کند، چون بایستی از *تورات* و *انجیل* فرار کنند که مبدأ اعتقادی خودشان است. استفاده از مفاهیم مشترک دو مذهب برای غلبه بیشتر در ارتباطات است، مثل مقدس بودن عیسی (ع) در میان شیعه و مسیحی (همان: ۷۸) که امام (ع) از این فن نیز استفاده کردند. مبلغان دینی ما باید توجه کنند که این روش می‌تواند مبنای ارتباطات میان‌دینی آینده جهان را تشکیل دهد.

مأمون برای شکستن شخصیت علمی حضرت، اقدام به تشکیل مجالس مناظره و مباحثه با دانشمندان ادیان مختلف می‌کرد تا شاید از این رهگذر بتواند در مباحثه‌های علمی که بین آنها به وجود می‌آید شکستی برای امام رضا (ع) ایجاد کند و از محبوبیت آن وجود مقدس در بین مردم، بکاهد. اما سرانجام توفیق نیافت و دانشمندان برجسته تمام ادیان و مذاهب از مراکز علمی جهان با امام (ع) به بحث و گفتگو نشسته و همه عالمان مذاهب، صاحبان افکار و آرای مختلف به بزرگواری و احاطه علمی آن حضرت اعتراف کردند. پیروزی‌های حضرت در مباحثه‌ها، مأمون را ناامید کرد.

از شیوه‌های ارتباط میان فردی مؤثر، اطلاع قبلی از مخاطب و عقاید اوست. ایشان با تعبیر یافتن رؤیای ابوحیب نباجی و احاطه کامل بر عقاید مخاطبان، از این شیوه برای اثبات

حقانیت امامت خود استفاده می‌کردند. اینها نمونه‌هایی از علم و آگاهی بی‌نهایت امام^(ع) بوده که موجب جذب قلوب مؤمنان، در ارتباطات ایشان با مردم بوده است.

۴. موقعیت فرهنگی - اجتماعی ارتباط‌گر

برلو می‌گوید هیچ ارتباط‌گری به‌عنوان فرد آزاد و بدون تأثیر از شرایطی که در سیستم فرهنگی - اجتماعی اطرافش دارد، نمی‌تواند رفتار کند. هرچه طبقه اجتماعی و فرهنگی ارتباط‌گر با مخاطبان نزدیک‌تر باشد، ارتباط کامل‌تر و بهتری صورت می‌گیرد. توجه به این نکته ما را بر آن می‌دارد که بیان کنیم، هرچند در ظاهر، امام رضا^(ع) از مدینه عازم مرو بودند و خلق و خوی اعراب را با خود به همراه داشتند، اما بررسی سیره ایشان در این سفر نشان می‌دهد که نه تنها ارتباط بسیار هم‌رنگ و قوی با مخاطبان خود داشتند بلکه باعث جذب قلوب آنان هم شدند. امام رضا^(ع) با رعایت اخلاق اسلامی و برخورد انسانی با افراد، مرزهای فرهنگی و اجتماعی مردم ایران را شکستند و با افراد در قوم و قبایل متفاوت، ارتباط مطلوب و کامل برقرار کردند مانند موارد زیر:

توجه به وضعیت اخلاقی و فرهنگی مردم

حاکم نیشابوری از مجلس ضیافت و میهمانی یاد می‌کند:

یکی از بزرگان شهر به افتخار حضرت ترتیب داد و افاضل و علمای شهر را نیز دعوت کرد و با وجود اینکه جای افاضل و اشراف و به‌خصوص جای حضرت رضا^(ع) را در صدر جلسه و همراه با متکا و نمازق (بالشت و پستی) مصفوفه مقرر کرده بودند، حضرت التفاتی به صدر مجلس ننموده و در کنار مجلس که نوع میهمانان نشسته بودند؛ جلوس فرمودند. از آن پس سیره بر آن شد که جای افاضل کنار مجلس باشد نه صدر آن (۱۳۳۹: ۳۴).

این قضیه که گویای تواضع حضرت بود، نهایت الگوپذیری مردم از ایشان و نفوذ عمیق آن حضرت را در قلب و فکر مردم ایران نشان می‌دهد.

توجه به وضعیت مادی و رفاه مردم

نمونه‌هایی دیگر از اشراف امام (ع) بر موقعیت فرهنگی-اجتماعی ایران، در وضعیت رفاهی مردم و به‌خصوص شیعیان در دوران حکومت مأمون بود. بنی‌عباس تا قبل از ورود امام (ع) به ایران عرصه زندگی را بر شیعیان سخت می‌گرفت به‌طوری‌که عده زیادی از شیعیان و حتی سادات علوی، سیادت و شیعه بودن خود را مخفی نگه می‌داشتند. اما امام (ع) در نمونه‌هایی متعدد برای ایجاد رفاه مردم در مسیر حرکتشان تلاش کردند. مثلاً در منطقه ده سرخ که خشک و کم‌آبی بوده است، امام (ع) برای وضو آب طلب می‌کنند و چون اطرافیان آب نداشتند، با دستان خود گودالی حفر می‌کنند که آب از زمین می‌جوشد.

بنا بر روایت عبدالسلام ابن صالح هروی وقتی حضرت به ده سرخ رسیدند، به ایشان عرض کردند که خورشید از دایره نصف‌النهار گذشت و وقت نماز ظهر شد. آن جناب فرود آمدند و فرمودند: آب بیاورید. گفتند: آب با ما نیست. حضرت با دست خویش زمین را اندکی حفر کرده، چشمه‌ای می‌جوشد که تاکنون موجود است^۱ (صحاب، ۱۳۳۴: ۲۵۶).

در روایتی دیگر ابوصلت هروی گزارش کرده:

امام رضا (ع) چون به سناباد رسیدند تکیه کردند بر کوهی که دیگ‌ها از آن می‌تراشند و دعا کردند: خداوندا! سود بخش به این کوه و برکت عطا کن در ظرف‌هایی که از این کوه می‌تراشند و فرمودند: که از برایش دیگ‌ها از سنگ تراشیدند و فرمودند: غذایش را در همان دیگ‌ها تهیه کنند. غذای آن حضرت اندک بود و آهسته غذا می‌خوردند. از آن روز مردم به آن کوه رو آوردند و دیگ‌ها و ظرف‌ها از سنگ آن تراشیدند و برکت یافتند (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۱۱).

در کوه سنگی نیز، امام (ع) برکت سنگ‌های این ناحیه را که از آن، دیگ‌ها و ظروف سنگی می‌تراشیدند طلب می‌کنند که تا امروز نیز همچنان این شغل در این ناحیه برجاست.

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: ابن بابویه، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲: ۳۷۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۲: ۱۱۳.

در روایتی دیگر شیخ صدوق، گزارش داده که امام رضا^(ع) در نیشابور در محله قزوینی منزل و در آنجا حمامی بنا کردند که امروز به گرمابه رضا مشهور است. آنجا چشمه‌ای کم‌آب بود. ایشان کسی را واداشتند که آب آن را بیرون آورد تا فراوان شد. امام^(ع) در بیرون دروازه در زیر زمین، حوضی ساختند که چند پله پایین می‌رفت و آب چشمه بدان می‌ریخت. حضرت، داخل حوض شدند و بیرون آمدند و سپس به روی آن نماز گزارند، سپس مردم می‌آمدند، از آن چشمه برای تبرک نوشیده، در آن حوض غسل می‌کردند، بر روی آن نماز گزارده، دعا می‌کردند و از خداوند حاجت خواسته و حاجاتشان برآورده می‌شد. امروز، آن چشمه را «عین کهلان» می‌نامند و مردم تا به امروز به سراغ آن چشمه می‌روند (همان: ۱۳۶). «بنابر آنچه مورخان معاصر ذکر کرده‌اند، این چشمه که بعد از آن به حمام امام رضا^(ع) معروف شد همچنان در شهر نیشابور وجود دارد» (عرفان‌منش، ۱۳۹۰: ۱۸۱).

توجه به وضعیت اعتقادی مردم و تبیین ولایت اهل‌بیت^(ع)

نمونه‌ای دیگر از اشراف امام^(ع) بر موقعیت فرهنگی-اجتماعی و شرایط زمان خود، در سرخس اتفاق می‌افتد.

یکی از نشانه‌های پذیرش تحمیلی ولایتعهدی از سوی امام رضا^(ع) حادثه حبس و زندانی شدن آن حضرت در سرخس است. متأسفانه منابع اولیه، اطلاعات کافی در مورد چگونگی این زندانی شدن نداده‌اند. از برخی گزارش‌ها استفاده می‌شود که امام^(ع) مدتی در سرخس تحت نظر [و شاید بازداشت خانگی] بوده‌اند. امام^(ع) تلاش می‌کنند تا با توجه به موقعیت پیش‌آمده و ارتباط نداشتن ایشان با مردم، به تبیین مسئله امامت و ولایت اهل‌بیت^(ع) برای ابوصلت هروی بپردازند تا او سخن حضرت را به گوش مردم برساند. این، نمونه‌ای از ارتباط میان‌فردی امام^(ع) است. در گزارشی از ابوصلت هروی در این‌باره چنین ثبت شده است:

به در خانه‌ای که حضرت رضا^(ع) در سرخس در آن زندانی بودند آمدم. از زندانبان اجازه ملاقات خواستم. گفت: راهی به آن نیست. گفتم: چرا؟ گفت: او چه بسا در

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۲۵

شب و روز هزار رکعت نماز می‌گزارد و ساعتی در آغاز روز و پیش از غروب در مصلاهی خود نشسته و با پروردگار خود مناجات می‌کند.

گفتم: در وقتی از این اوقات برایم اجازه دیدار بگیر و او اجازه گرفت. نزد حضرت رضا (ع) رفتم. ایشان در جای نماز خود نشسته و در اندیشه فرو رفته بودند. به امام (ع) گفتم: یابن رسول‌الله این چیست که مردم از شما حکایت می‌کنند؟ فرمودند: چه می‌گویند؟ گفتم: از شما نقل می‌کنند که فرموده‌اید: مردم، بنندگان ما هستند. فرمودند: خدا آفریننده آسمان‌ها و زمین است و دارای پنهان و آشکار. تو شاهدی که من هرگز این سخن را نگفته‌ام و هیچ‌گاه از پدران خود چنین سخنی نشنیده‌ام. تو دانایی به ستم‌هایی که از این امت بر ما اهل بیت وارد شده است و تو دانایی به اینکه این اتهام نیز از همان ستم‌هاست. سپس حضرت رضا (ع) رو به من کردند و فرمودند: ای عبدالسلام! اگر مردم آفریده ما باشند، چنان‌که حکایت می‌کنند، پس برای چه کسی ما از ایشان بیعت می‌گیریم. گفتم: یابن رسول‌الله راست گویی. سپس فرمودند: آیا تو منکری آنچه حق تعالی برای ما از ولایت و امامت واجب گردانیده، چنان‌که غیر تو منکر است. گفتم: پناه برخدا، من اقرار دارم به ولایت و امامت شما^۱ (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۲۷-۴۲۶).

در مرو نیز وقتی امام (ع) مجبور به پذیرش ولایتعهدی می‌شوند برای مأمون شروطی می‌گذارند و با تقریض^۲ متن عهدنامه، منظور خود را از پذیرش، بر همگان آشکار می‌سازند

۱. گفتگوهای میان حضرت رضا (ع) و عبدالسلام و پاسخ حضرت، واقعه نیشابور را قوت بخشید و احتمالاً این شایعه‌ها واکنشی است در برابر «أنا من شروطها» که امام (ع) خود را شروط کلمه «لا اله الا الله» قرار دادند و عاملان حکومت و دشمنان خاندان عصمت، به جفا، ادعای الوهیت را به ایشان نسبت دادند (عرفان منش، ۱۳۹۰: ۲۱۰). البته برخی از پژوهشگران می‌گویند بازداشت امام (ع) در مسیر رفتن به مرو بوده است (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۸۴). اگر چنین باشد، شاید این کار برای تحت فشار قرار دادن ایشان برای تحمیل ولایتعهدی مأمون با شرایط دلخواه آنان باشد. سخنان امام (ع) در طول سفر و استقبال باشکوه مردم نیشابور از ایشان، زنگ خطر را برای بنی عباس به صدا درآورد و مأمون از سرپیچی امام (ع) از برنامه خود واهمه داشت. ایشان بی‌واهمه در مناسبت‌ها، مشروعیت حکومت عباسیان را زیر سؤال می‌بردند و با نقل روایت‌های جدشان پیامبر (ص)، ضرورت اطاعت از اهل بیت (ع) را برای مردم شرح می‌دادند. از این رو، دور نیست که مأمون برای آماده کردن شرایط پذیرش ولایتعهدی، ایشان را محترمانه در زندان خصوصی قرار داده و مردم را از ملاقات بازداشته باشد (عرفان منش، ۱۳۹۰: ۲۱۰-۲۰۸).

۲. امام (ع) در پشت عهدنامه اولین سطر را با این عنوان آغاز می‌کنند: «ستایش مخصوص خداوندی است که آنچه بخواهد انجام می‌دهد.» و می‌افزایند: «و از خیانت‌های چشم و آنچه در دل‌هاست آگاه است و درود بر محمد (ص) و خاندان پاکش.» اشاره به ﴿

و پس از آن، سیاست دوگانه‌ای در نظر می‌گیرند. اول اینکه از راه ولیعهدی و ارتباطات بین‌فردی به تبلیغ شیعه و امامت پردازند و از حکومت ظلم دوری کنند و دیگری اینکه از راه ارتباطات جمعی به ترویج شیعه و امامت پردازند. تبدیل لباس از مشکی که رنگ رسمی لباس عباسیان بود به رنگ سبز که مربوط به ائمه اطهار^(ع) است، ضرب سکه به نام حضرت، ترویج شیعه با اشعار شعرا و صلح دادن به آنها و نماز عید مشهور امام^(ع) در مرو از جمله تلاش‌های ایشان در ارتباطات جمعی بود (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ق، ج ۸: ۲۷۸-۲۶۰) که با توجه به آگاهی از عهد و زمان خویش انجام می‌دادند.

روش‌شناسی ارتباطات امام رضا^(ع)

۱. روش نفی و اثبات

در این روش، ارتباطگر سعی می‌کند همه شیوه‌های مشابه و پیام‌های رقیب را نفی و شیوه و پیام مطلوب خود را اثبات کند. نکته قابل توجه در اینجا، دقت در تمایز روش نفی و اثبات و روش استدلال است. در روش نفی و اثبات، همه پیام‌های رقیب زمینه اثبات پیام مطلوب است؛ در حالی که در روش استدلالی، از اصول منطقی برای اثبات پیام مطلوب

آگاهی خداوند از خیانت‌های آشکار و پنهان در مقدمه کلام و نیز درود بر پیامبر^(ص) و خاندانش که در واقع شهادت به حقانیت آل علی^(ع) است در آن زمان پراهمیت بود و این اقدام هیچ‌گاه در مجالس و اسناد رسمی آن زمان معمول نبود. حضرت با عبارت «امیرالمؤمنین (مأمون) حق ما را که دیگران نشناختند شناخت»، اثبات حقانیت خاندانشان را کامل می‌کند. عبارت اخیر گرچه در ظاهر، ستایش مأمون است زیرا که به «حقانیت خاندانش» آگاهی یافته، اما در حقیقت تکوهش آنانی است که حق خاندانش را ضایع کردند و منظور از «دیگران» در کلام حضرت یا به تعبیر بهتر «حق‌ناشاسان»، پدران و خاندان مأمون است که به حقانیت اهل بیت^(ع) آگاهی نیافتند و رهبری و امامت مسلمانان را که حق آنها بود غصب کردند. امام^(ع) در عهدنامه ولایتعهدی می‌نویسد: «مأمون ولایتعهدی و خلافت را در اختیار من قرار داد، تا اگر بعد از او زنده ماندم این منصب از آن من باشد. به دنبال آن می‌افزاید: «هر کس پیمانی را بشکند و عهدی را نقض کند احترام خود را از بین برده و موقعیت خود را از دست داده است، زیرا چنین شخصی بر امام خود ستم روا داشته و حرمت اسلام را مورد تجاوز قرار داده و به همین روش در گذشته عمل شده...» نقض پیمان و پیمان‌شکنی بعد از عبارت «مأمون خلافت را در اختیار من قرار داده» عبارت «اگر بعد از او زنده بمانم» را پررنگ و معنی‌دارتر می‌کند. شیخ صدوق می‌نویسد: امام^(ع) در مجلس ولایتعهدی در ادامه فرمودند: «... پیشینیان، عهد امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب^(ع) را نقض کردند و آن جناب صبر کردند و بعد از آن اعتراض فرمودند بر کسانی که این‌گونه اعمال شنیع مرتکب شدند...» و سپس حضرت رضا^(ع) فرمودند: «منی دادم نسبت به من چگونه رفتار کنند و نسبت به شما (شیعیان) چه نوع عمل شود» (رک: ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۵، ق، ج ۳: ۴۷۴-۴۷۳؛ ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۴: ۳۸۵-۳۸۶).

استفاده می‌شود، هر چند ممکن است اثبات پیام مطلوب خود نافی همه پیام‌های رقیب باشد. به عبارت دیگر در روش نفی و اثبات، نخست کار نفی پیام‌های رقیب صورت می‌گیرد تا زمینه‌ای برای اثبات پیام مطلوب پدیدار شود.

امام رضا (ع) در مناظره با رهبران و پیروان ادیان از این روش بهره می‌بردند. مثلاً برای اثبات نبوت پیامبر اکرم (ص)، از نفی دلایل پیروان یهود برای نپذیرفتن نبوت ایشان استفاده کردند.

دانشمند یهودی در پاسخ امام رضا (ع) درباره چگونگی اثبات نبوت حضرت موسی (ع)، به معجزه‌هایی از قبیل شکافتن دریا، ازدها شدن عصا در دست وی، بیرون آوردن ید بیضا و جاری ساختن چشمه آب از سنگ با زدن عصای خود، استناد کردند.

امام رضا (ع) با پذیرش این معجزه‌های حضرت موسی (ع)، پرسیدند: آیا هر کس در تأیید ادعای نبوت خویش معجزه بیاورد، او را تصدیق می‌کنید؟ عالم یهودی گفت: خیر، فقط در صورتی می‌پذیریم که معجزه‌هایی همانند معجزه‌های حضرت موسی (ع) بیاورد. امام (ع) فرمودند: پس چگونه به نبوت پیامبران پیش از موسی (ع) ایمان دارید، در حالی که هیچ‌کدام از آنها معجزه‌های یادشده برای حضرت موسی (ع) را نیاوردند. دانشمند یهودی که در پاسخ حضرت رضا (ع) درمانده بود، با تغییر حرف خود، گفت: اگر کسی معجزه‌هایی بیاورد که فراتر از قدرت افراد عادی باشد، تصدیق نبوت او لازم است. در این هنگام، حضرت رضا (ع) با اشاره به زنده شدن مردگان، شفای کور مادرزاد و بیماران مبتلا به پستی به دست حضرت عیسی (ع) و زنده شدن پرنده گلین با دم مسیحایی آن حضرت، پرسیدند: پس چرا نبوت او را تصدیق نمی‌کنید؟ وقتی عالم یهودی گفت: می‌گویند که وی چنین کارهایی می‌کرده است، ولی ما که آن را ندیده‌ایم، امام (ع) پرسیدند: مگر معجزه‌های حضرت موسی (ع) را به چشم خود دیده‌اید؟ آیا جز این است که افراد مورد اطمینانی، آنها را دیده و نقل کرده‌اند و با اخبار متواتر به شما رسیده است؟ معجزه‌های حضرت عیسی (ع) هم توسط افراد مورد وثوقی دیده شده و در قالب اخبار متواتر گزارش شده است،

پس چرا نبوت او را تصدیق نمی‌کنید؟ درباره حضرت محمد (ص) نیز این مسئله صادق است. بر اساس اخبار متواتر، آن حضرت نزد هیچ آموزگاری درس نخواندند و چیزی نیاموختند، ولی به‌رغم امی و درس‌ناخوانده و مکتب نرفته بودن، کتابی آوردند که درباره سرگذشت پیامبران و اقوام گذشته و نیز درباره آینده سخن گفته است. پس چرا نبوت او را نمی‌پذیرید؟ عالم یهودی، که جوابی نداشت، محکوم شد و سکوت اختیار کرد (طبرسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۲۰۴-۲۰۳).

۲. روش تذکر و یادآوری

در برابر هشپاری انسان دو حالت وجود دارد: یکی جهل و دیگری غفلت. جهل، آنجا صادق است که چیزی اصلاً به ذهن وارد نشده و فرد نسبت به آن هیچ‌گونه آگاهی ندارد؛ اما آنجا که چیزی به ذهن آمده اما پس از مدتی به‌دلایلی از خاطر رفته است فراموشی و غفلت مطرح می‌شود و برای رفع این حالت تذکر و یادآوری لازم است. غفلت و فراموشی از ویژگی‌های انسانی است و باید تذکر و تنبیه در کار باشد تا غافلان را بیدار کند، مسلماً چون خفته را بیدار ساختی خود به راه خواهد افتاد. خداوند به پیامبر (ص) دستور می‌دهد: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» پس تذکر بده که تو (به‌عنوان رسول) تنها تذکر دهنده‌ای (غاشیه / ۲۱).

امام رضا^(ع) همانند پدران بزرگوار خود، توجه ویژه‌ای به حفاظت شیعیان از انحراف‌های فکری و عملی داشتند. آن حضرت روزی به یکی از شاگردان خود به نام ابوهاشم جعفری فرمودند: «چرا با عبدالرحمن بن یعقوب همنشین می‌کنی؟» گفت: عبدالرحمن دایی من است. حضرت فرمودند: «او درباره ذات پروردگار مطالبی می‌گوید که ساحت مقدسش از این موارد پاک است یا با او همنشین باش و ما را ترک کن یا با ما نشست و برخاست کرده، او را از خود دور کن». ابوهاشم گفت: عقاید و گفتار او چه آسیبی به من می‌زند، درحالی‌که من بر عقیده حق خود استوار بوده و از عقاید او دوری می‌کنم؟ حضرت فرمودند:

آیا نمی‌ترسی که بلایی به او برسد و تو نیز به بلای او بسوزی؟ پدر یکی از

یاران حضرت موسی^(ع) از یاران فرعون بود. هنگامی که سپاه فرعون به سپاه حضرت

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۲۹

موسی (ع) رسید، او نزد پدرش رفت تا او را اندرز دهد، ولی هنگام نزول عذاب بر سپاه فرعون، او هم همراه پدرش غرق شد. حضرت موسی (ع) فرمودند: وقتی عذاب الهی فرود آید، از آن کس که نزدیک گناه کار است دفاعی نخواهد شد. (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۳۷۵-۳۷۴).

درجایی دیگر آمده است گروهی از مردم خراسان به حضور امام رضا (ع) رسیده و از حضرت خواستند آنها را از پرداخت خمس معاف داشته و خمس اموالشان را به آنان ببخشند. حضرت که می دانستند آنان شایسته بخشش نیستند و با نیرنگ می خواهند این وظیفه الهی را ترک کنند، فرمودند: «این چه نیرنگی است که به کار می برید؟ شما با زبان خود به ما اظهار اخلاص و دوستی می کنید، ولی از حقی که خداوند آن را برای ما قرار داده کوتاهی می نمایید» (جلیلی همدانی، ۱۳۸۴: ۱۶).

۳. روش همراهی

گاهی فرد یا جامعه آن چنان به یک عقیده یا عادت خو گرفته و بدان پایبند شده که دور کردنش از آن به طور یکباره بس دشوار است. در این گونه موارد باید با تیزبینی و شناخت کامل نسبت به روحیه ها و عقاید جامعه ارتباط برقرار کرد و در این باب بهترین روش همراهی است.

در این روش، ارتباط گر با مخاطب همراه می شود و با او ارتباط برقرار می کند، حتی در قسمتی از عقاید و مسیر فکری با مخاطب خود همراه می شود و این همراهی را تا لحظه ای که زمان نشان دادن حقیقت فرارسد ادامه می دهد و پس از آن با تکانی شدید در وجود مخاطب، او را بیدار می کند.

این روش در سیره امام رضا (ع) در برخورد با مخالفان به خوبی قابل نمایش است. ایشان در مناظره ها از این روش بهره می بردند. از سویی دیگر، ایشان همواره در ایران تلاش می کردند تا با آگاهی کامل از زبان مخاطبان و سخن گفتن به زبان آنها، زمینه همراهی با افراد و تلطیف روحیه آنها را فراهم آورده و از این طریق به بیان توحید و امامت بپردازند.

در این حالت مخاطب بیشترین تأثیر را می‌پذیرد.

حضرت رضا^(ع) در پاسخ به درخواست عالم یهودی برای اثبات نبوت حضرت محمد^(ص)، بر اساس کتاب مقدس آنان به فرازی از تورات استناد کردند که دارای قرائن روشنی بود و به خوبی بر مدعی آن حضرت دلالت می‌کرد. از جمله فرمودند: آیا می‌دانی که حضرت موسی^(ع) به بنی اسرائیل وصیت کرد: پیامبری از میان برادرانتان به سوی شما خواهد آمد، او را تصدیق کنید و به سخنانش گوش فرا دهید؟ هنگامی که عالم یهودی وجود این بشارت را در تورات تأیید کرد، حضرت فرمودند: آیا بنی اسرائیل برادرانی غیر از بنی اسماعیل دارند؟ و آیا از میان فرزندان اسماعیل^(ع) پیامبری جز حضرت محمد^(ص) مبعوث شده است؟ دانشمند یهودی به هر دو پرسش، پاسخ منفی داد^۱ و این گونه امام^(ع)، دانشمند یهودی را در پذیرش نبوت حضرت محمد^(ص) همراه کرد. این شیوه می‌تواند بهترین نوع ارتباط با مخالفان باشد.

۴. روش استدلال یا ارتباط متقاعدگرانه

اصطلاح ارتباط متقاعدگرانه^۲ را می‌توان شامل طرح هر پیامی دانست که به قصد شکل دادن، تقویت یا تغییر پاسخ‌های شناختی، عاطفی و رفتاری دیگران طراحی شده باشد. به بیانی دیگر، شامل هرگونه ارتباطی است که به منظور تأثیرگذاری بر دیگری تنظیم شده باشد. بدین ترتیب اصطلاح متقاعدگرانه را صفت هر ارتباطی می‌توان شمرد که با هدف نفوذ و تأثیرگذاری طراحی شده باشد (حکیم‌آرا، ۱۳۷۴: ۶).

با ورود مباحث نگرش‌ها و متقاعدسازی به حوزه مطالعات ارتباطی، پاره‌ای از صاحب‌نظران کوشیده‌اند تا تعریف مستقلی از ارتباط متقاعدگرانه به دست دهند. در یک جمع‌بندی، ارتباط متقاعدگرانه بدین گونه تعریف می‌شود: کوششی آگاهانه و فعال به منظور تغییر نگرش باورها یا رفتار آدمی که از طریق ارسال پیامی انجام می‌شود که به همین منظور طراحی شده است.

۱. این فقره مورد استناد حضرت که با اندکی تفاوت در چند جای عهد قدیم و جدید آمده، در نسخه‌های کنونی آن نیز وجود دارد، از جمله در اعمال رسولان، ۳: ۲۲ آمده است: موسی به اجداد گفت که خداوند، خدای شما، نبی‌ای مثل من از میان برادران شما برای شما برخواهد انگیزت (رک: تنبیه، ۱۸: ۱۵ و ۱۸: ۱۹ - ۱۸).

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۳۱

با این تعریف باید بیان کرد که آنچه در سیره امام رضا (ع) دیده می‌شود، از این نوع ارتباط است، چراکه ایشان همواره سعی در ارتباط کامل و هدفمند با مخاطبان خود داشتند. از رجاءبن ضحاک نقل شده است:

لا ينزل بلدا الا قصده الناس يستفتونه في معالم دينهم فيجيبهم و يحدثهم الكثير عن ابيه، عن آبائه، عن علي، عن رسول الله (ص)؛ حضرت در هیچ سرزمینی وارد نمی‌شدند. مگر اینکه مردم به جنابشان رجوع کرده و در مسائل دینی از ایشان نظرخواهی می‌کردند، حضرت هم پاسخ آنان را می‌دادند و بر ایشان از طریق پدران بزرگوارشان احادیث پیامبر (ص) را به صورت فراوان نقل می‌کردند. (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۹۶).

این نقل از رجاءبن ضحاک که تمام طول مسیر را با امام (ع) بوده نشان‌دهنده ارتباط کامل و متقاعدگرایانه امام (ع) با مردم است که شهر به شهر به تعداد این مردم افزوده می‌شد تا جایی که در نیشابور به حد اکثر خود رسید و حضرت از فرصت استفاده کرده و حدیث معروف سلسله‌الذهب را نقل کردند.

۵. روش سکوت

همان‌طور که سخن گفتن، ارائه پیام و تأثیر در ذهن مخاطب است، سخن نگفتن یا سکوت به موقع هم می‌تواند به نوعی ارسال پیام به مخاطب باشد و حتی بعضاً اثرگذارتر هم خواهد بود. در واقع سکوت، پیامی اعجاز‌گر در امر ارتباط و یکی از جنبه‌های مهم ارتباط است، مشروط بر اینکه حاوی پیامی باشد.

در سیره خطبا و آیین سخنوران برای جلب توجه خاص مخاطبان در زمان ارائه نکات مهم و دقیق، از این روش استفاده می‌شود. امام رضا (ع) نیز از این روش در حدیث معروف سلسله‌الذهب که برای اثبات امامت و ولایت اهل بیت (ع) بر مردم بود، استفاده کردند.

همان‌طور که قبلاً بیان شد، امام (ع) در نیشابور در جمع عظیم مشتاقان اهل بیت (ع)، پس از طرح حدیث «لا اله الا الله حصنی، فمن دخل حصنی امن من عذابی»، سکوت کردند و کجاوه ایشان به حرکت درآمد؛ اما ایشان دستور توقف دادند و درحالی که همه متوجه این رفتار

حضرت شده و منتظر سخن دیگر باره ایشان شدند، فرمودند: «بشروطها و آنا من شروطها». در واقع امام^(ع) پس از این سکوت معنادار، به مردم نشان دادند که این بخش از مطلب، مهم تر و قابل تأمل تر از بخش قبلی بود و در حالی که توجه ویژه همگان را برانگیخته بودند، این مطلب را بیان کرده و ولایت خود را شرط وارد شدن به دژ محکم الهی یعنی توحید دانستند.

۶. روش اصلاح اندیشه‌ها

«اصلاح» و «طلب اصلاح» از دیدگاه منابع اسلامی در ذات دین قرار دارد و از ارکان هویت دینی است. اصلاح از طریق تطبیق شرایط زندگی با ارزش‌های دین، در هر عصری حاصل می‌شود. بنابراین بزرگ‌ترین مصلحان جهان، پیامبران هستند که راه صحیح زندگی را به انسان می‌آموزند. امام علی^(ع) می‌فرماید: «خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود و هر چند گاه، متناسب با خواسته‌های انسان‌ها، رسولان خود را پی‌درپی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان باز جوید و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی، حجت را بر آنها تمام نمایند» (رک: نهج البلاغه، خطبه اول).

لذا از دیدگاه اسلام و قرآن، اصلاح طلب باید در خط انبیا و با تمسک به تعالیم آنان و کتاب الهی به اصلاح جامعه بپردازد. قرآن کریم می‌فرماید: «ما اجر طالبان اصلاح را که با تمسک به کتاب خدا و به‌پا داشتن نماز در جامعه به طلب اصلاح می‌پردازند ضایع نخواهیم کرد» (اعراف/۱۷۰؛ اسماعیلی، بی‌تا: ۱).

علی‌رغم اینکه مأمون همواره در تلاش بود تا به نحوی، از ارزش و قرب و منزلت امام^(ع) در بین مردم کم کند اما شیوه ارتباطی ایشان به گونه‌ای بود که همواره باعث جذب قلوب مخاطبان و ایمان آوردن آنها به دین اسلام می‌شد. امام^(ع) با رفتار اصلاح‌گرانه خود همواره سعی در بیداری و آگاهی اندیشه‌های مخاطبان داشتند و هرگز برای تخدیر افکار آنان سعی نمی‌کردند.

اگر میراث امام صادق^(ع) بیشتر معطوف به مباحث فقهی بوده، میراث امام رضا^(ع) بیشتر

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۳۳

متوجه جنبه‌های الهی و کلامی دین است. غیر از احادیث فقهی ارزشمند منقول از آن امام (ع)، مناظره‌ها و احادیث متعددی در این زمینه وجود دارد که پژوهشگران مسائل عقیدتی از آن استفاده می‌کنند. در این دسته احادیث، مباحثی همچون توحید و صفات خدا، نبوت و شناخت پیامبران، امامت و منزلت امامان وجود دارد.

نتیجه‌گیری

آنچه گفته شد سیره ارتباطی امام رضا (ع) در مسیر هجرت ایشان از مدینه به مرو مطابق با مدل ارتباطات انسانی بر لو بود. اطلاع قبلی از مخاطب، دانستن زبان مخاطب، اطلاع دقیق از عقاید مخاطب، توجه به شرایط روز و رصد اتفاق‌های زمانه از جمله شیوه‌های ایشان در ارتباطات انسانی به صورت میان‌فردی، گروهی و جمعی بود که به اختصار در این نوشته مورد بررسی قرار گرفت. آنچه مهم است اینکه امام (ع) از انواع ارتباطات انسانی به تناسب شرایط زمان و مکان و نیاز مخاطب استفاده می‌کردند و این می‌تواند الگویی برای مدیران و مبلغان ما در ارتباط مؤثر با افراد باشد.

منابع و مأخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۷). *عیون اخبار الرضا*^(ع). مترجم محمدتقی آقا نجفی اصفهانی، چاپ اول، قم: پیام علمدار.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۳ق). *الامالی*. قم.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۵ق). *مناقب آل ابی طالب*^(ع). نجف: المطبعة الحیدریه.
- اسماعیلی، سید محمد، (بی تا). «روش های اصلاحات در قرآن کریم». منتشر شده در سایت پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۳/۰۵/۲۰.
- بیهقی، محمد بن حسین، (۱۳۶۸). *تاریخ بیهقی*. به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ اول، تهران: سعدی.
- پیوسته، مطهره، (۱۳۹۱). «پیشوای هشتم». *اشارات*، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، شماره هشتم: ۱۷۸-۱۸۸.
- جلیلی همدانی، قاسم (۱۳۸۴). *خورشید شرق گلبرگ*، شماره ۶۹: ۱۰۷.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۳۳۹). *تاریخ نیشابور*. مترجم محمد خلیفه نیشابوری، به کوشش بهمن کریمی، تهران: ابن سینا.
- حکیم آرا، محمدعلی، (۱۳۷۴). *ارتباطات متقاعدگرانه و تبلیغ*. ویرایش اول، چاپ اول، تهران: سمت.

سیره ارتباطی امام رضا (ع) از ... ❖ ۱۳۵

حمیری، عبدالله ابن جعفر، (بی تا). *قرب الاسناد*. تهران: کتاب فروشی نینوا.

سپنجی، امیر عبدالرضا و نفیسه مؤمن دوست، (۱۳۹۰). «*اقناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم (ع)*». *دین و ارتباطات*، سال هجدهم، شماره دوم: ۱۱۷-۱۴۴.

سحاب، ابوالقاسم، (۱۳۳۴). *زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا (ع)*. تهران: اسلامیه.

طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۶۱). *الاحتجاج*. مصحح محمدباقر موسوی خراسانی، مشهد مقدس: المرطی.

طبری، محمد بن جریر، (بی تا). *دلایل الامامه*. نجف: مکتبه حیدریه.

عرفان منش، جلیل، (۱۳۹۰). *همگام با امام رضا (ع) از مدینه تا مرو*. چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.

فیاض، ابراهیم، (۱۳۹۰). «*الگوی ارتباطی آرمان شهر رضوی در سیره رفتار امام رضا (ع)*». کتاب *آرمان شهر رضوی* (مجموعه مقالات ارائه شده به اولین همایش علمی-تخصصی آرمان شهر رضوی)، به کوشش سید محمد عیسی نژاد، مشهد: سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری مشهد، جلد دوم: ۲۷۰-۲۶۳.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۴). *اصول کافی*. مترجم و شرح جواد مصطفوی و هاشم رسولی محلاتی، تهران: علمیه اسلامیه.

گیل، دیوید و بریجیت ادمز، (۱۳۸۴). *الفضای ارتباطات*. مترجم رامین کریمیان و دیگران، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مجلسی، محمدباقر، (۱۳۵۶). *بحار الانوار*. مترجم موسی خسروی، تهران: اسلامیه.

محسنیان راد، مهدی، (۱۳۸۹). *ارتباط شناسی*. چاپ نهم، تهران: سروش.

مسعودی، ابوالحسن، (۱۳۴۳). *اثبات الوصیه*. مترجم محمدجواد نجفی، تهران: اسلامیه.

نجفی یزدی، سیدخلیل، (۱۳۶۴). *مناقب اهل بیت (ع)*. چاپ دوم، تهران: حیدری.

نجفی یزدی، سیدمحمد، (۱۳۹۱). *حکایت آفتاب*. چاپ هفتم، مشهد: آستان قدس رضوی.